

تقلب در بانک‌ها و مؤسسات مالی

آیت باقری باباکندی^۱

چکیده

بانک‌ها و مؤسسات مالی به دلیل حجم بالای تراکنش مالی در معرض بیشترین تخلفات هستند، از این حیث قابل مقایسه با هیچ سازمان دیگری نیستند. همچنین گسترش حوزه فعالیت بانک‌ها و مؤسسات مالی و خدمات ارائه شده توسط آن‌ها بر گستره ابعاد نظارتی واسطه‌های مالی افزوده و ضرورت آشنایی مقامات نظارتی با ابعاد و حوزه‌های شکل‌گیری تقلب در این مؤسسات را پررنگ‌تر نموده است. به‌ویژه در سال‌های اخیر با توجه به گسترش فناوری‌های مرتبط با نرم‌افزار و فناوری اطلاعات، ارائه خدمات بانکی به مشتریان با کیفیت و سرعت بالاتری انجام پذیرفته و هم‌روزه افق‌های جدیدی پیش‌روی بانک‌ها و مؤسسات مالی جهت ارائه خدمات بیشتر و هر چه بهتر به مشتریان خود فراهم می‌گردد.

پیچیدگی سازمان‌ها و تراکنش‌ها باعث افزایش فرصت برای استفاده‌های سودجویانه و تقلب آمیز شده است. در نوشتار حاضر این مسأله به نحو مناسبی مورد بررسی قرار گرفته و به چگونگی شکل‌گیری تقلب درون‌سازمانی (در سطح کارکنان و مدیریت) و برون‌سازمانی (در سطح شرکت‌های خدمات مالی) اشاره شده است. سازوکارهای معرفی شده در نوشتار حاضر در برآورد خطر تقلب و کشف تقلب در مؤسسات، می‌تواند مقامات نظارتی و حساب‌رسان داخلی را با ضرورت طراحی راهکارهایی به‌منظور پیشگیری و کشف تقلب و همچنین گستره‌ی راهکارهای بالقوه در این زمینه آشنا نماید.

واژگان کلیدی: تقلب، اختلاس، بازرسی، حسابرسی، نظارت و کنترل داخلی

مقدمه

سازمان‌های گوناگون همواره در معرض تقلب بوده‌اند. طبق گزارش انجمن بازرسان رسمی تقلب آمریکا، سازمان‌ها در هر سال ۷ درصد درآمد خود را در اثر تقلب از دست می‌دهند. این انجمن در سال ۲۰۰۸ این مبلغ را نزدیک به یک تریلیون دلار اعلام کرد. برای آن‌که اهمیت این مبلغ را در ذهنمان مجسم کنیم کافی است بدانیم که مبلغی نزدیک به مجموع درآمد صادرات نفت ایران طی ۱۰۰ سال گذشته است.

گسترده‌گی و پیچیدگی روزافزون فعالیت‌ها، تشدید رقابت، تغییرات سریع در محیط اقتصادی، ضرورت تنوع‌بخشی و ارائه خدمات جدید، فناوری اطلاعات و سیستم‌های مکانیزه، بانک‌ها را با انواع ریسک‌های اعتباری و عملیاتی در دستیابی به اهداف سازمانی روبه‌رو ساخته است. بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری برای خدمات‌رسانی مؤثر، ناگزیر از مهاجرت از بانکداری سنتی به بانکداری مدرن و برخط شده‌اند. هرچند استفاده از این فناوری‌ها باعث مدیریت بهتر فرایندهای مالی و افزایش کارایی و سرعت خدمات‌رسانی به مشتریان این مؤسسات شده، اما مشکلات و مخاطراتی نیز به همراه داشته است. تقلب و سوءاستفاده‌های مالی یکی از مشکلاتی است که این سازمان‌ها در پی پیشگیری از آن‌ها و کاهش اثرات آن‌ها بوده‌اند. بنابراین با توجه به این‌که پای مبالغی هنگفت و منافی سرشار در میان است، تقلب و فساد مالی را می‌توان در هیئت یکی از پرگردش‌ترین و سودآورترین تجارت‌های بزرگ جهان، مثل تجارت اسلحه، نفت و مواد مخدر دانست. به همین خاطر است که بانک‌ها در میان انواع ریسک‌ها غوطه‌ور هستند، آن‌ها در پایان سال مالی باید پاسخ‌گوی سپرده‌گذاران و سهامداران باشند و سود مورد توقع آن‌ها را تأمین کنند، بنابراین مدیران آن‌ها ناگزیر از فعالیت در یک چنین فضایی بوده و باید انواع ریسک‌ها را مدیریت کنند. (وکیلی فر، ۱۳۹۳)

بانک‌ها، مؤسسه‌هایی بسیار قدرتمند و تأثیرگذار در اقتصاد کشورها هستند. قدرت اقتصادی بانک‌ها به قدری است که در تمامی دوره‌ها بحران‌های مالی و اقتصادی از بخش بانکی شروع شده و توسط همان بخش نیز کنترل می‌شود. نکته‌ی مهم‌تر آن‌که عملیات بانکی بسیار مستعد فساد است و جالب‌تر آن‌که مجرمین در تمام دنیا برای انجام فعالیت‌های غیرقانونی اقتصادی و به‌ویژه پولشویی سعی در نفوذ به بانک‌ها و یا تصاحب بانک‌ها می‌نمایند. چرا بانک‌ها تا به این حد در اقتصاد کشورها تأثیرگذار هستند؟ جواب این سؤال را باید در قدرت خلق پول در بانک‌ها جست‌وجو کرد. بانک‌ها گونه‌ای از مؤسسه‌های اقتصادی هستند که قابلیت خلق پول و نقدینگی را دارند. پول در اقتصاد به اسکناس و مسکوک در دست اشخاص و سپرده‌های دیداری بانک‌ها اطلاق می‌شود و نقدینگی شامل پول و سپرده‌های غیردیداری (مدت‌دار) بانک‌هاست. از آنجاکه حجم اسکناس و مسکوکات در دست مردم نسبت به نقدینگی ناچیز است از این‌رو بیش از ۹۰ درصد نقدینگی شامل سپرده‌های بانکی است و یا به‌عبارت‌دیگر توسط بانک‌ها خلق می‌شود. بنگاه‌هایی که قدرت چند برابر کردن پول پایه‌ی کشور در قالب نقدینگی را دارند، بدیهی است که تأثیرگذاری بالایی در اقتصاد داشته

باشند. از سوی دیگر چون بانک‌ها بنگاه‌های تأمین منابع مالی برای اشخاص حقیقی و حقوقی هستند، اشخاص برای امکان اخذ تسهیلات بانکی لازم است رفتار مناسب در قبال بانک‌ها داشته باشند تا سابقه‌ی اعتباری خود را بهبود بخشیده و بتوانند از تسهیلات بانکی بیش‌تر و با نرخ‌های بهتر بهره‌مند شوند و در واقع افراد سعی می‌کنند در برابر بانک‌ها مسئولانه رفتار کنند و در غیر این صورت حیات اقتصادی آن‌ها با مخاطره روبه‌رو می‌شود و اما سرانجام اعتماد عمومی بالا به سیستم بانکی است که آن‌ها را متمایز می‌سازد. مردم اعتماد بالایی به بانک‌ها دارند به طوری که پول‌های خود را با خیال راحت و با نگرانی اندک در آن‌ها سپرده‌گذاری می‌نمایند، پس نماد اعتماد عمومی و ثبات اقتصاد هستند و در صورتی که عکس آن اتفاق بیفتد یعنی مردم به بانک‌ها اعتماد نداشته باشند، بی‌ثباتی و بحران اقتصادی پیامد آن است.

به دلیل همین قدرت بالای بانک‌هاست که در تمام دنیا نظارت خاصی بر عملکرد بانک‌ها صورت می‌گیرد. مدیران بانک‌ها در تمام کشورهای دنیا با دقت و حساسیت خاصی انتخاب و توسط مقام ناظر تأیید می‌شوند. این تأیید از دو منظر صورت می‌گیرد. تأیید صلاحیت علمی و تأیید صلاحیت اخلاقی تا مقام ناظر مطمئن شود که بانک به دست افراد متخصص و متعهد اداره می‌شود و جولانگاه مفسدان اقتصادی نخواهد بود، زیرا بانک‌ها بر کل اقتصاد کشور تأثیر گذارند و هرگونه سهل‌انگاری در نظارت بانکی نتایج جبران‌ناپذیری دارد.

تعریف تقلب در بانک‌ها

تقلب که قدمتی به اندازه زندگی بشریت دارد و حجم مالی آن روزبه‌روز در حال گسترش است، در سال‌های اخیر با توسعه فناوری‌های جدید راه‌های زیادی را برای متقلبان و مجرمان باز کرده است که بتوانند مرتکب تقلب شوند.

خسارت‌های غیرمستقیمی که متقلبان به صنعت بانکداری وارد می‌سازند خیلی بالاتر از رقمی است که این سازمان‌ها به‌طور مستقیم متضرر می‌شوند. در سال‌های اخیر بازارهای مالی ایالات متحده آمریکا با افشای متعدد اعمال متقلبانه برخی شرکت‌ها به‌طور جدی متضرر شده‌اند. ورلد کام، انرون، آدلفیا، گلوبال کروسینگ و تیکو فقط تعداد اندکی از رسوایی‌های صورت‌های مالی هستند که بازار سهام را دچار نوسان کرده و باعث سلب اعتماد عمومی شده‌اند. از سوی دیگر این رسوایی‌ها زیان‌های جبران‌ناپذیری بر سرمایه‌گذاران وارد آورده و توان رقابت آن‌ها را از میان برده است. بسیاری از این رسوایی‌ها به پس‌انداز افراد، مزایای بازنشستگی، آموزش دانشگاهی و امنیت آینده آن‌ها نیز زیان زده است.

پیچیدگی سازمان‌ها و تراکنش‌ها باعث افزایش استفاده‌های سودجویانه و تقلب‌آمیز شده است. اثرات سازمانی این تقلب‌ها علاوه بر ضررهای اقتصادی، اثرات روانی مختلفی نیز بر سازمان و مشتریان آن‌ها خواهد داشت. این اثرات ممکن است باعث تأثیر بر شهرت سازمان و سطح رضایت مشتریان شده و سطح اعتماد مشتریان نسبت به خدمات جدید ارائه‌شده را کاهش دهد. در بُعد

درون‌سازمانی نیز فرآیند مدیریتی سازمان را با اختلال مواجه ساخته و بر روی اخلاق و وجدان کاری کارکنان نیز تأثیر منفی داشته باشد.

تقلب در بانکداری الکترونیکی در بستر خدمات الکترونیکی و به صورت بر خط اتفاق می‌افتد و حاصل آن، انتقال پول الکترونیکی از یک حساب به حساب دیگر به صورت نامشروع و غیرقانونی است. امروزه حجم زیادی از معاملات و نقل و انتقال پولی و مالی در سطح اینترنت و در بستر الکترونیکی انجام می‌شود و رشد روزافزون این خدمات و تراکنش‌ها از یک طرف و همچنین ناشناس ماندن مجرمان در بستر اینترنت از طرف دیگر، باعث تشویق و تحریک متقلبان و شیادان به ورود به این حوزه می‌گردد (عباسی و شهاب‌صفا، ۱۳۹۳).

در مجموع، تقلب بانکی به معنای استفاده از ابزارهای متقلبانه به منظور دسترسی به اموال منقول، غیرمنقول و سایر اشکال تملک داری تحت تملک یک مؤسسه مالی و یا به دست آوردن غیرقانونی اموال سرمایه‌گذاران از طریق تأسیس سازمان‌ها و مؤسسات مالی جعلی است. در این بخش، انواع تقلب‌هایی که عموماً در صنعت بانکداری ممکن است رخ بدهد مورد بررسی قرار خواهد گرفت لازم به ذکر است که این گونه تقلبات با توجه به گسترده‌ی وسیع خدمات بانکی می‌تواند در قالب تقلب سنتی و یا تقلب الکترونیکی رخ دهند.

کارمندان فاسد درون‌سازمانی

کارمندان فاسد درون‌سازمانی می‌توانند در هر یک از بخش‌های سازمان، مشغول به کار باشند. این افراد با انگیزه‌های مختلف از جمله کسب سود مالی و یا وارد آوردن خسارت به سازمان خود، دست به کار می‌گردند.

در حال حاضر در بسیاری از سازمان‌ها با توجه به ماهیت کاری کارمندان فنی، دسترسی زیادی را در اختیار آن‌ها می‌گذارند. به عنوان مثال کارمندان بخش پشتیبانی شعب بانک، ممکن است دسترسی مستقیم به پایگاه داده‌های این شعب داشته و حتی امکان تغییر اطلاعات در این پایگاه داده‌ها را داشته باشند. لذا این افراد می‌توانند به راحتی موجودی حساب خود در شعب مربوطه را تغییر داده و بدین ترتیب اقدام به سوءاستفاده نمایند.

همچنین توسعه‌دهندگان سیستم‌های نرم‌افزاریِ مورد استفاده سازمان‌ها و مؤسسات مالی نیز می‌توانند با اضافه نمودن قطعات کد در برنامه خود و اجرای این قطعات کد در زمان‌های از پیش تعیین شده در برنامه، اقدام به سوءاستفاده‌های مالی نموده و یا در صورتی که این برنامه در یک محیط عمومی نظیر اینترنت مورد استفاده قرار گیرد، به صورت غیر مجاز به برنامه مربوطه دسترسی پیدا کنند. کارمندان باجه‌های بانک‌ها نیز می‌توانند از طریق تبانی با یک شخص ثالث در ابتدای روز کاری، بدون دریافت هیچ مبلغی برای وی فیش واریز ثبت نموده و معادل مبلغ این فیش، پول نقد به وی تحویل دهند و در انتهای روز کاری با ثبت فیش برداشت، مبلغ مربوطه را مجدداً از وی دریافت نمایند.

مسئولین فاسد

یکی از کارمندان رده بالای بانک است که می‌تواند به نیابت از بانک به سرمایه‌گذاری‌های عظیمی دست زند. این شخص با منابع بانکی اقدام به سرمایه‌گذاری‌های پر ریسک می‌کند. اگر یکی از این سرمایه‌گذاری‌ها موجب از بین رفتن منابع شود، شخص بازارهای بیشتری را (اغلب سوداگری و زمین‌خواری) را در این جریان دخیل می‌کند تا با استفاده از آن بازارها به سودآوری موقت برسد و ضررها را به نحوی پوشاند.

دست‌کاری دفاتر حسابداری

بعضی از شرکت‌ها به منظور اختفای برخی از مشکلات جدی مالی و سرپوش گذاشتن بر نقصان‌های مالی خود اقدام به اعلام سودآوری بالا و دست‌کاری در دفاتر حسابداری‌شان می‌کنند. با این روش، این شرکت‌ها اقدام به دریافت وام‌های بالا برای شرکت می‌کنند که سودآوری فراوانی ندارند. در سال ۱۹۹۹ کمیته **توید وی**^۱ مطالعه‌ای با عنوان تقلب در صورت‌های مالی ارائه کرد که به صورت متقالبانه گزارش شده بودند (وکیلی‌فرد، ۱۳۹۴). براساس این گزارش، بیشترین و معمولی‌ترین روش‌های مورد استفاده برای ارتکاب تقلب شامل موارد زیر است:

- شناسایی نادرست درآمدها
- بیش‌نمایی دارایی‌ها
- کم‌نمایی هزینه‌ها

در بخش درآمدها، تقلب مربوط به ثبت درآمدهای جعلی و ثبت بیش از موعد درآمدها می‌شد. در بخش دارایی‌ها، تقلب شامل بیش‌نمایی دارایی‌های موجود، ثبت دارایی‌های جعلی یا دارایی‌هایی که در مالکیت شرکت نبودند، سرمایه محسوب کردن اقلامی که باید به حساب هزینه برده می‌شدند و افشای ناکافی و عدم تناسب دارایی‌ها را می‌شد.

وام‌های متقالبانه

بانک‌ها همواره تمایل دارند برای مشتریان خوش حساب خود، وام دهند زیرا مطمئن هستند که این‌گونه مشتریان سر موقع اقدام به بازپرداخت اقساط می‌کنند. در این حالت وام‌گیرنده یک موجودیت تجاری است که توسط یکی از کارشناسان غیرامین بانک کنترل می‌شود. ممکن است وام‌گیرنده موجودیت غیرواقعی داشته باشد، به عبارتی یکی از کارشناسان بانک اقدام به ایجاد موجودیتی غیرحقیقی می‌کند و برای این موجودیت اقدام به دریافت وام کرده و سپس موجودیت را حذف نماید. در برخی از منابع، این موجودیت غیرواقعی را مشتری مجازی می‌نامند. بر همین اساس انواع تقلب‌های مرتبط با وام را می‌توان به گروه‌های زیر تقسیم‌بندی کرد:

الف- وام‌پردازی به وام‌گیرندگان صوری

در این حالت، تقلب معمولاً توسط کارکنان داخلی صورت می‌پذیرد. کارکنان درخواست وام را تسلیم نموده اما از نام، نشانی و سایر جزئیات کاذب استفاده می‌کنند. با توجه به این که خود مدیر اعتبارات نیز در این زمینه همدست است، درخواست برای مدیر اعتبارات ارسال گردیده و توسط

1- (Tread way)

وی تصویب می‌شود. در این روش، مرتکبان تقلب، همه مکاتبات با قرض گیرنده را کنترل می‌کنند. نهایتاً هیچ پرداختی صورت نپذیرفته و وام معوق و لا وصول می‌گردد.

ب- کلاه‌به‌کلاه کردن وام‌ها

در این حالت شخص متقلب چندین وام متقلبانه دریافت نموده و از دریافتی‌های یک وام برای پرداخت وام‌های دیگر استفاده می‌کند.

ه- وام‌های تجاری متقلبانه

اغلب در قالب ارائه مستندات کاذب صورت می‌گیرد. وام گیرنده با متورم کردن ارزش اموال، استفاده از قراردادهای چند برابر کننده سود، بیش ارزش گذاری موجودی کالا و سایر روش‌ها سعی بر دریافت وام بیشتر می‌نماید. ممکن است شامل همدستی با کارکنان بانک نیز باشد. به‌عنوان مثال ممکن است درصدی به کارمندان بانک جهت همکاری در این زمینه پرداخت گردد.

ح- تقلب وام‌های معوق

در این حالت، بدون انجام تشریفات، وام به افراد درون و یا برون‌سازمانی پرداخت می‌گردد. وام پرداختی به یکی از حساب‌های معلق نظیر بدهکاران داخلی یا موقت منظور می‌گردد. نهایتاً ممکن است وام معلق یا لا وصول اعلام گردیده و یا بدون شناسایی درآمد، بازگشت داده شود.

تقلب‌های مربوط به چک‌های بانکی

در این حالت، فرد با اعمال تغییراتی در محتویات چک از جمله مبلغ و اسم، اقدام به تقلب می‌کند. در برخی از موارد فرد اقدام به جعل امضا کرده و آن را در سایر مدارک استفاده می‌کند. از جمله استفاده از امضای شخص در چک‌های خالی و یا صادر کردن چک‌های بی‌محل از جانب شخص. روش دیگری که در حال حاضر توسط کلاهبرداران حرفه‌ای مورد استفاده است، در قالب ترکیبی از مهندسی اجتماعی و جعل امضا صورت می‌گیرد. در این حالت فرد متقلب به‌صورت گذری به مدت ۲ یا ۳ روز به استان‌ها و نواحی دیگر سفر کرده و با حضور در صف‌های بانک، افرادی که برای وصول چک در بانک حضور دارند را شناسایی و با دریافت وجه چک و ارائه آن به صاحب چک، چک او را دریافت می‌کنند. این افراد با بیان این که برای نقد کردن تعداد زیادی چک به بانک آمده‌ایم و کارمان به طول می‌انجامد و باید چندساعتی در بانک بمانیم و نیز با اظهار نوع دوستی، اعتماد افراد را جلب می‌کنند و چک وی را برای کمک به او می‌گیرند تا زودتر آن را نقد کنند. فرد صاحب چک هم در قبال دریافت وجه کامل چک، چک خود را تحویل این افراد می‌دهد. سپس کلاهبرداران به شیوه حرفه‌ای و غیرمستقیم، میزان موجودی صاحب چک را از متصدی باجه می‌پرسند و رقم چک را به مبلغی کم تر از موجودی حساب، تغییر داده و با کارت شناسایی جعلی، چک را نقد و محل را ترک می‌کنند.

لازم به ذکر است روش صدور چک بی‌محل از حساب شخصی خود فرد نیز یکی از روش‌های سنتی تقلب است. در این حالت فرد بدون پشتوانه مالی اقدام به صدور چک از حساب خود نموده و

چک مربوطه را در ازای دریافت کالا و خدمات در اختیار فروشنده قرار می‌دهد. فروشنده با مراجعه به بانک متوجه بی‌محل بودن چک صادر شده می‌گردد.

چک‌های مفقودی

گم شدن چک‌ها معمولاً در ادارات و سازمان‌هایی اتفاق می‌افتد که تعداد بسیار زیادی چک در آنجا جمع می‌شود از جمله این ادارات می‌توان به سازمان‌های جمع‌آوری مالیات، اداره پست، قسمت‌های مالی سازمان‌ها و... اشاره کرد. در این اماکن به دلیل بالا بودن تعداد چک‌ها بعضاً چند چک گم می‌شود و لذا کارمندان متقلب این ادارات به بهانه گم شدن چک‌ها در فرصت‌های آتی از آن سوءاستفاده می‌کنند (تصرفی منش، ۱۳۹۱).

شبکه‌های سیمی

شبکه‌های سیمی مانند شبکه بین‌المللی swift هدف خوبی برای متقلبان جهت انجام جابجایی‌های مالی غیرمجاز هستند. در صورت انجام هرگونه انتقال غیرمجاز در این شبکه، بازگرداندن آن خیلی مشکل و حتی غیرممکن است. از آنجا که این شبکه‌ها به منظور انجام تسویه حساب‌های بین‌بانکی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بنابراین انتقال‌های مالی سریع و با حجم بالا در طول شب در این شبکه‌ها انجام می‌پذیرد. در این حالت ممکن است یک متقلب درون سازمانی با استفاده از اسناد متقلبان و یا جعل شده تقاضای انتقال وجه غیرمجاز از یک بانک به بانک دیگر در خارج از مرزهای آن کشور را در سیستم ثبت کند.

سپرده‌های مشکوک

همه‌ساله تعدادی از بانک‌ها خود را ورشکسته و یا محدود در عملیات اعلام می‌کنند. با این وجود افرادی با ارائه مستندات رسمی، خود را به‌عنوان مشتری آن بانک‌ها معرفی و اقدام به خرید و فروش سهام با اعتبار آن بانک‌ها می‌نمایند. ریسک فعالیت این نوع بانک‌ها در حالتی که از نوع اینترنت بانک و یا برون‌مرزی باشند بسیار بیشتر است. همه‌ساله فهرستی از بانک‌هایی که مجوز فعالیت ندارند و یا ورشکسته شده‌اند توسط خزانه‌داری آمریکا اعلام می‌گردد.

چک بازی

منظور از چک بازی، صدور چک از یک حساب و تودیع آن به حساب دیگر است که یکی از روش‌های رایج در سوءاستفاده می‌باشد. این تقلب مربوط به سیستم‌هایی است که در آن مشتری بانک چکی را برای واریز به حسابش می‌آورد و بانک همان لحظه و بدون انجام کلرینگ، پول را به حساب مشتری واریز می‌کند. به عبارتی مشتری چکی را از حساب خود و به مبلغ ۱۰۰۰ دلار صادر می‌کند. سپس برای واریز این چک به حساب دیگرش در یک بانک دیگر اقدام می‌کند. بانک مقصد بدون انجام کلرینگ ۱۰۰۰ دلار به حساب شخص واریز می‌کند. در حقیقت در این لحظه شخص ۲۰۰۰ دلار دارد.

جعل هویت

در این نوع از تقلب، فرد با کسب اطلاعاتی از دارنده حساب، در تعاملاتش خود را به‌جای دارنده حساب جا می‌زند. فرد متقلب، اطلاعات دارنده حساب را ممکن است از کارمندان داخلی بانک‌ها

به‌دست آورد. روش مرسوم دیگر برای به‌دست آوردن اطلاعات، ارسال یک سری فورم به دارنده حساب است، در این حالت نیز فرد متقلب خود را به‌عنوان کارمند بانک معرفی می‌کند.

بازرسی جعلی

این حالت یکی از قدیمی‌ترین روش‌های رایج در کلاهبرداری است. در این روش، فرد خود را به‌عنوان بازرسی بانک معرفی می‌کند و به مشتری می‌گوید که آن‌ها به یکی از کارمندان بانک مشکوک‌اند لذا از مشتری می‌خواهد تا اجازه دسترسی به تمام و یا قسمتی از حسابش را داشته باشد. نوع دیگری از این نوع کلاهبرداری مربوط به شرکت‌های مهاجرتی تقلبی است. فرد خود را به‌عنوان نماینده شرکت معرفی می‌کند و از مشتری می‌خواهد تا به او اعتماد کرده و حساب‌هایش را در اختیار وی قرار دهد تا فرد بتواند کارهای مهاجرتی مشتری را انجام دهد و به‌این ترتیب اطلاعات حساب بانکی مشتری را می‌گیرد. اخیراً استفاده از جعل هویت در دزدی اطلاعات افراد بسیار رایج شده است.

اختلاس

اختلاس عبارت از تصاحب و بردن وجه یا مال متعلق به دولت و بیت‌المال یا اشیای سپرده‌شده به یکی از کارکنان دولت یا مأموران به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی است؛ بنابراین اختلاس یکی از تعديات کارمندان دولت و مأموران به خدمات عمومی است که به‌دلیل انجام وظیفه نسبت به اموال و وجوه عمومی و بیت‌المال یا متعلق به اشخاصی که به آن‌ها سپرده‌شده است، مرتکب می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر، اختلاس نوعی خاص از خیانت در امانت است که مأموران دولتی از طریق تصاحب وجوه و اموالی که برحسب وظیفه به آن‌ها سپرده‌شده است، مرتکب می‌گردند (تصرفی منش، ۱۳۹۱). اختلاس می‌تواند به یکی از روش‌های زیر صورت پذیرد:

۱. اعطای تسهیلات خارج از ضوابط به گروه‌های ذی‌نفوذ در بانک‌ها
۲. فرد از طریق افتتاح حساب بانکی با مبلغ کلان، ابتدا نزد بانک کسب اعتبار می‌کند و بانک طرف حساب، متعاقب آن و به‌واسطه این اعتبار، چکی را با مبلغ بالا به وی می‌دهد که فرد می‌تواند با چک دریافتی در بانک دیگری اقدام به سرمایه‌گذاری نماید و ادامه این جریان مبلغ کلانی برای وی به همراه خواهد داشت.
۳. سوءاستفاده کارمندان بانک از وجوه حساب‌های راكد که مدتی بلااستفاده باقی مانده و در اکثر موارد در جاهایی بدون اطلاع بانک و صاحب حساب به جریان می‌افتد.
۴. وجوهی که باید در زمان معین به حساب افراد منظور شوند در جای دیگر مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند و با تأخیر به حساب اصلی واریز می‌شوند. این سوءاستفاده اگرچه برای مدت کوتاهی می‌تواند باشد، اما برای اختلاس‌کننده سود قابل توجهی به‌جای خواهد گذاشت.
۵. برداشت کوتاه‌مدت از وجوه بانک و بدهکار کردن حساب مشتریان به‌طور موقت که به‌دلیل نحوه‌ی حسابداری و ثبت اسناد به شیوه نادرست، امکان آن به وجود می‌آید.
۶. ورود یا به‌اصطلاح حک کردن حساب‌های عابر بانک‌ها و دست‌کاری و انتقال وجوه به حساب‌های دیگر.

تقلبات مربوط به کارت‌های پرداخت و سیستم‌های پرداخت الکترونیک

بحث تقلب در زمینه‌ی کارت‌های اعتباری مبحث جدیدی نیست. سالیان درازی است که افراد متقلب سعی در به‌دست آوردن دارایی‌های دیگران دارند. کلاهبرداری به معنی به‌دست آوردن کالا یا خدمات از دیگران با استفاده از حقه و یا فریفتن آن‌هاست.

در برخی از موارد کلاهبرداری آشکار است. به‌عنوان مثال افراد متقلبی که سعی در استفاده از کارت‌های دزدیده‌شده می‌نمایند و یا تلاش می‌کنند که کالاهای سفارش داده‌شده توسط شخص دیگر را به تملک خود درآورند؛ اما تمامی متقلبان نیز خلاف کار حرفه‌ای نیستند. در برخی موارد ممکن است شخص کلاهبردار، مشتری عادی یک سازمان باشد که تصور می‌کند هوش زیادی داشته و می‌تواند با فریب فروشنده از محصول استفاده نموده و سپس محصول مربوطه را به فروشنده بازگرداند و یا ممکن است خریدار، تقاضای خرید محصول داده و بعد از دریافت آن ادعا نماید که محصول را دریافت ننموده و یا اصلاً سفارش نداده است. برخی از مشتریان که ممکن است مشتریان درستکاری نیز باشند، اصلاً باور نداشته باشند که چنین فعالیت‌هایی کلاهبرداری محسوب می‌گردند؛ اما آسپیی که از سمت این مشتری‌ها وارد می‌گردد کمتر از آسیب وارده از جانب کلاهبرداران حرفه‌ای نیست.

بسیاری از فروشندگان و مشتریان تصور می‌کنند که تقلبات مربوط به کارت‌های اعتباری تنها شامل دزدی هویت است اما در حقیقت دزدی هویت یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های تقلب است و فقط در سال‌های اخیر در اخبار، صحبت‌های زیادی در این زمینه وجود داشته است. ممکن است به نظر آید که دزدی هویت پدیده‌ای جدید و مربوط به عصر اینترنت است اما در حقیقت در تمامی اعصار گذشته نیز یکی از بهترین راه‌های نامرئی شدن، استفاده از هویت جدید بوده است. همچنین بهترین راه به‌دست آوردن هویت جدید، دزدیدن آن از شخص دیگری است. متقلبان می‌توانند با به‌دست آوردن کپی گواهی تولد فرد، به اطلاعات شناسنامه‌ای و سایر اطلاعات موردنیاز برای دزدی هویت فرد دست یابند. دزدی هویت تنها بخشی از مشکل بوده و تنها یکی از راه‌های پیش پای کلاهبرداران به‌منظور انجام تخلف و پاک نمودن رد پای خود است.

با ظهور اینترنت، امکان انجام انواع تقلب به شیوه مؤثرتر فراهم آمد، زیرا متقلبان مجبور نیستند که برای آزمایش و استفاده از کارت‌های اعتباری دزدیده‌شده به مکان‌ها و فروشگاه‌های فیزیکی مراجعه نمایند. امکان مخفی شدن نیز در این حالت راحت‌تر است زیرا فرد متقلب، نامرئی بوده و در حقیقت در هنگام انجام معاملات به‌صورت آنلاین امکان مشاهده فردی که با آن وارد معامله می‌شویم وجود ندارد. (مکارم، ۱۳۹۲)

در شیوه‌های سنتی استفاده از پست و یا تلفن به‌عنوان کانال‌های سفارش نیز، مشکل نامرئی بودن خریدار وجود داشته اما فروشندگان حداقل در شیوه‌ی تلفنی با فرد ارتباط صوتی برقرار کرده و در شیوه‌ی سفارش از طریق پست نیز زمان پردازش درخواست و ارائه محصول طولانی‌تر بود، به‌علاوه در

شیوه‌ی تلفنی در صورتی که مسئول خرید مشکوک می‌شد، می‌توانست در هر زمانی با مشتری از طریق تلفن ارتباط برقرار نموده و سؤالات بیشتری را از وی بپرسد. در فضای اینترنت هیچ‌گونه ارتباط مستقیمی وجود ندارد. اگر اطلاعات مشتری مشکوک باشد یا می‌باید درخواست مربوطه را در همان لحظه رد نمود و یا درخواست را با قبول ریسک کلاهبرداری قبول کرد. از طرف دیگر خود مشتریان نیز انتظار دارند که با وجود اینترنت، درخواست‌های آن‌ها با سرعت هرچه بیشتری انجام پذیرد.

در این بخش برخی از موارد سوءاستفاده و کلاهبرداری در زمینه‌ی کارت‌های اعتباری و همچنین سیستم‌های پرداخت الکترونیک مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سرقت کارت اعتباری

هنگامی که کارت اعتباری، گم شده و یا دزدیده می‌شود تا زمانی که دارنده کارت، صادرکننده را مطلع ننماید، امکان استفاده از کارت وجود خواهد داشت. بسیاری از صادرکنندگان کارت اعتباری، تلفن ۲۴ ساعته برای گزارش مفقودی و یا سرقت در اختیار صاحبان کارت قرار می‌دهد؛ اما به هر حال تا زمان اعلام گزارش مفقودی، امکان خرید غیرمجاز توسط سارق کارت وجود خواهد داشت. در صورت عدم وجود اقدامات ایمنی دیگر، سارق، امکان خرید کالا و خدمات تا زمان مطلع شدن صادرکننده کارت را خواهد داشت.

تقلب مرتبط با تراکنش‌های بدون کارت

خرید پستی و اینترنتی دو روش مهم کلاهبرداران فعال در زمینه‌ی کارت‌های اعتباری است. در صورتی که در هنگام خرید، امکان مشاهده فیزیکی کارت و دارنده آن وجود نداشته باشد، فروشنده می‌باید به صاحب کارت یا هرکسی که ادعای مالکیت کارت را دارد اعتماد کرده و باور نماید که اطلاعات غیرمستقیم ارائه‌شده توسط وی چه از طریق پست، تلفن و یا اینترنت صحیح است. با این که برخی اقدامات امنیتی در این زمینه صورت پذیرفته است، اما هنوز هم این روش نسبت به روش خرید حضوری، ریسک بالاتری داشته و بنابراین صادرکنندگان کارت نیز برای این‌گونه تراکنش‌ها، مالیات بیشتری در نظر می‌گیرند.

در این حالت تشخیص هویت خریدار و شناسایی این که آیا واقعاً دارنده کارت درخواست خرید را صادر کرده، بسیار مشکل است. شرکت‌های تحویل کالا می‌توانند به فروشنده اطمینان دهند که کالا دقیقاً در محل اعلام‌شده توسط فروشنده تحویل داده می‌شود اما معمولاً متعهد به احراز هویت گیرنده کالا از طریق مدارک شناسایی نیستند. یکی از اقدامات پیشگیرانه در این زمینه ارائه کالای خریداری‌شده تنها به آدرس دارنده کارت است. البته در این صورت نیز شخص متقلب پس از ارسال درخواست‌های خرید غیرمجاز خود به فروشنده، در آدرس خریدار حاضر شده و قبل از تحویل کالا به مشتری، کالاهای مربوطه را از مأمور پست تحویل می‌گیرد.

تراکنش‌های با حجم پایین‌تر معمولاً شامل اقدامات امنیتی کمتر از جانب فروشنده است زیرا در صورت اعمال قوانین دست‌وپا گیر از جانب فروشنده در زمینه‌ی این‌گونه تراکنش‌ها، ریسک

از دست دادن مشتری بالاست. به همین دلیل اشخاص کلاهبردار نیز سعی می‌کنند از این شیوه از تراکنش‌ها برای اقدامات کلاهبردارانه خود استفاده بیشتری نمایند.

دزدیدن حساب شخص

در این حالت شخص کلاهبردار سعی می‌کند که در ابتدا در خصوص قربانی اطلاعات به دست آورده و سپس از طریق تماس با صادرکننده کارت و تظاهر به این که دارنده واقعی کارت است، از صادرکننده درخواست نماید که آدرس پستی وی را تغییر دهد. پس از تغییر آدرس، فرد کلاهبردار اعلام مفقودی نموده و درخواست صدور کارت جدید می‌نماید. نهایتاً کارت جدید را در آدرس پستی جدید که خود او قبلاً درخواست تغییر آن را داده بود، دریافت می‌نماید.

اعتبار سنجی کارت‌های مسروقه

در این حالت سارق کارت، اطلاعات کارت را در یکی از سایت‌هایی که پردازش لحظه‌ای تراکنش را پشتیبانی می‌نمایند، برای اعتبارسنجی وارد می‌کند. اگر فرایند پردازش با موفقیت انجام پذیرد، سارق می‌داند که کارت هنوز فعال و قابل استفاده است. برای انجام این عمل لازم نیست که سارق حتماً خرید انجام دهد. به عنوان مثال می‌تواند از سایت‌هایی استفاده نماید که جهت ثبت نام احتیاج به شماره کارت اعتباری دارند و یا از سایت‌هایی خبره استفاده نماید. معمولاً خرید با مقادیر مالی کم انجام پذیرفته و بدین ترتیب خرید خارج از محدوده اعتبار کارت که ممکن است موجب جلب توجه صادرکننده کارت گردد، انجام می‌پذیرد.

در گذشته، کلاهبرداران از برنامه‌های تولید شماره کارت اعتباری استفاده نموده و سپس به منظور آزمودن معتبر بودن آن‌ها از سایت‌های اینترنتی خرید آنلاین استفاده می‌نمودند؛ اما در حال این روش به دلیل نیاز به وارد کردن اطلاعات اضافه در هنگام خرید از طریق کارت، نظیر کد امنیتی ۳ تا ۴ رقمی و یا تاریخ اعتبار کارت، مورداستفاده قرار نمی‌گیرد. در حال حاضر این روش برای آزمودن اطلاعات کارت‌های سرقت شده از مشتریان به شیوه فیزیکی یا الکترونیکی مورداستفاده می‌شود. اطلاعات کارت‌های به دست آمده به این شیوه در اصطلاح کلاهبرداران فیش (phish) نامیده می‌شود. معمولاً این اطلاعات به صورت گروهی به کلاهبرداران دیگر فروخته می‌شود. قیمت فیش‌ها بر مبنای نوع کارت، تازگی اطلاعات و وضعیت اعتباری کارت قربانی، متفاوت است.

سایت‌های جعلی

در این حالت فرد کلاهبردار یک سایت اینترنتی راه‌اندازی نموده و از مشتریان می‌خواهد که در ازای ثبت نام در سایت، اطلاعات کارت اعتباری خود را برای بررسی هویت وارد نمایند. سایت اینترنتی مذکور ممکن است برخی خدمات را به صورت مجانی به مشتریان ارائه دهد؛ اما هدف اصلی آن دزدی اطلاعات مربوط به کارت‌های مشتریان است.

حملات فیشینگ

نوعی از بزه و کلاهبرداری مجازی که بر شیوه‌های مهندسی اجتماعی (تکنیک به دست آوردن اطلاعات محرمانه به وسیله تحریک کاربران مجاز) پایه گذاری شده است. نام آن مشابه کلمه ماهی گیری

در انگلیسی (fishing) بوده و البته شبیه به یک غلط املائی از این کلمه به نظر می‌رسد (phishing). فیشینگ، فرایندی است که متخلف را قادر می‌سازد تا با جلب اعتماد کاربر، اطلاعات شخصی، کلمه عبور و همچنین اطلاعات محرمانه وی را سرقت نماید. در این فرآیند اطلاعات در قالب فرم‌ها و با عناوین مختلف از جمله بانک، مؤسسات وابسته به دولت و غیره برای طعمه ارسال می‌شود و طعمه بدون اطلاع از این که فرم دریافتی جعلی، (و فقط شبیه فرم اصلی است) ناآگاهانه اطلاعات محرمانه موردنظر را در آن وارد و برای شیاد ارسال می‌نماید. یک مثال می‌تواند بدین صورت باشد که ایمیلی دریافت کنیم که ظاهراً از بانک ارسال شده و در آن خواسته شده که بر روی یک لینک، کلیک کرده و مشخصات بانکی خود را بازبینی نماییم. معمولاً در چنین مواقعی یک اخطار در برابر تعقیب نکردن لینک وجود دارد از جمله این که کلیک نکردن آن موجب بسته شدن یا معلق شدن حساب بانکی خواهد شد. هدف فرستنده ایمیل آن است که اطلاعات خصوصی شامل رمز عبور، شماره ملی، شماره حساب بانکی و مانند آن‌ها را به دست آورد. این روش با بهره بردن از ذکر نام یک شخص حقیقی به جای یک سیستم پشتیبانی، اعتماد بیشتری را جلب می‌کند و گاهی از کاربر می‌خواهد که به دلایل خاصی اطلاعات خود را به‌روز درآورده و یا صحت آن‌ها را بررسی کند. به این ترتیب جاعلان و سوءاستفاده گران وارد سیستم امن شبکه یک شرکت می‌شوند.

برخی دیگر از این روش‌ها به گونه‌ای است که با کلیک روی یک لینک، نرم‌افزارهای جاسوسی را وارد سیستم می‌کند تا اطلاعات را سرقت نماید. این نوع حمله در دستگاه‌های خودپرداز بدین صورت است که با نصب قطعه‌هایی شبیه دستگاه خودپرداز بر روی دستگاه، عملاً ذهن صاحب کارت را منحرف کرده و وی را قانع می‌نماید که عملیات وی با دستگاه مجاز صورت می‌گیرد. در این حالت نیز سرقت اطلاعات شخصی سپرده‌گذار و ساخت کارت پلاستیکی جعلی و برداشت از طریق کانال‌های توزیع دیجیتالی امکان‌پذیر است. برخی از شیادان با نصب تجهیزاتی در دستگاه‌های خودپرداز در روزهای تعطیل و یا زمان‌های کم تردد (طوری که این تجهیزات از سوی مشتریان کاملاً طبیعی به نظر می‌رسند) و از طریق داشتن تجهیزات بی‌سیم و قرار گرفتن در اتومبیل‌های خود نسبت به سرقت شماره کارت و کلمه عبور اقدام می‌کنند. (مکارم، ۱۳۹۲)

برخی دیگر از حملات فیشینگ ممکن است از طریق تلفن انجام پذیرند. این نوع حملات شامل پیام‌هایی می‌شوند که ادعا می‌کنند از طرف بانک هستند و از مشتری‌ها (استفاده‌کنندگان خدمات بانکی) می‌خواهند با توجه به مشکلی که برای حساب‌های آن‌ها به وجود آمده با یک شماره‌ای تماس گیرند. به محض این که مشتری با این شماره تلفن (که متعلق به مهاجم است و یک سرویس تلفن اینترنتی است) تماس می‌گیرد، دستوراتی به مشتری داده می‌شود تا شماره حساب و رمز خود را وارد کند. فیشرهایی که از سرویس تلفن اینترنتی استفاده می‌کنند، گاهی اوقات از داده‌های جعلی برای شماره انداز (caller ID) استفاده می‌نمایند تا برای مشتریان این گونه به نظر برسد که این تماس از طرف یک سازمان مطمئن و معتبر انجام می‌شود.

حملات فارمیگ (Pharming)

منظور از این حملات، حمله نفوذگر به منظور تغییر ترافیک وب سایت به یک سایت جعلی دیگر است. کاربر به تصور این که وارد سایت اصلی بانک می‌شود، وارد سایت جعلی فرد شیاد شده و اطلاعات محرمانه بانکی اعم از شماره حساب، شماره کارت و کلمه عبور را وارد می‌نماید و آنگاه فرد شیاد به راحتی می‌تواند نسبت به سوءاستفاده اقدام نماید. در این حالت به جای این که کاربر را فریب دهند تا به یک ایمیل تقلبی پاسخ دهد، او را به یک سایت جعلی هدایت کرده و برای فریب کاربر به منظور تسلیم هویت و اطلاعات حساس وی، از روش‌های زیرکانه‌تری استفاده می‌کنند. این حملات از اسب‌های تروآ (تروجان) برای نصب برنامه‌های کلیدخوان و برنامه‌های هدایت‌کننده استفاده می‌کنند تا به یک نفوذگر اجازه دهند کلمات عبور و شماره کارت‌های اعتباری را به دست آورد، بدون این که کاربر مجبور به انجام کاری غیرعادی باشد. در اینجا یک مثال از نحوه‌ی این حمله عنوان می‌شود:

کاربر یک ایمیل ظاهراً صحیح را باز می‌کند که او را تشویق می‌کند تا فایل الحاقی به ایمیل را باز کند. این فایل الحاقی به صورت مخفیانه یک کلیدخوان (برنامه‌ای است که کلیدهایی را که توسط کاربر زده می‌شود، ثبت می‌کند) نصب می‌کند.

هنگامی که کاربر به بانک آنلاین خود، سر می‌زند، کلیدخوان این را تشخیص می‌دهد و ورودی‌های صفحه کلید کاربر را هنگامی که وی اسم و کلمه عبور را تایپ می‌کند، ثبت می‌نماید. سپس این اطلاعات برای نفوذگر ارسال می‌شود تا برای دسترسی به حساب کاربر استفاده شود. (بکائی‌زاد و امیری، ۱۳۸۸)

حملات اسکیمینگ (skimming)

این نوع شیادی در دستگاه‌های خودپرداز صورت می‌گیرد. فرایند کار شامل کپی کردن اطلاعات نوار مغناطیسی کارت اعتباری مشتری از طریق کشیدن کارت از میان کارت‌خوان و استفاده از اطلاعات برای ساخت کارت تقلبی توسط فرد شیاد است.

به طور کلی در سه موقعیت، اطلاعات محرمانه ممکن است با خطر روبرو شود:

- در مکان و موقعیت دادوستد
- به هنگام فرآیندهای انتقال به منظور اخذ مجوز
- در بخش ذخیره‌سازی اطلاعات

مجرمان با نصب ابزار پیشرفته در محل ورودی کارت دستگاه خودپرداز و خواندن اطلاعات کارت و نصب یک دوربین کوچک تمامی اطلاعات مورد نیاز برای دسترسی به حساب افراد را به دست می‌آورند و از این طریق سرقت الکترونیکی اتفاق می‌افتد. جالب است که بدانیم تمامی پکیج کامل دستگاه‌های کارت‌خوان و کارت‌های پلاستیکی خالی و سایر امکانات مورد نیاز این کار در آمریکا به راحتی و به صورت کاملاً قانونی از طریق اینترنتی خرید و فروش می‌شود.

روش دیگر به این صورت است که معمولاً یک خانم یا آقا که به ظاهر (ولی نه واقعاً) کارمند آن شعبه بانکی می‌باشند در کنار دستگاه خودپرداز می‌ایستند و از مشتریان آن می‌خواهد تا برای شرکت در قرعه‌کشی جدید آن بانک، مشتری اسمش را پشت رسیدهای بیرون آمده از آن دستگاه نوشته و رسید را در یک کارتون که در دست دارد بیندازد. این رسیدها دارای شماره حساب و تاریخ هستند و آن فرد هم که کمتر کسی به او شک کرده و کنار ماشین ایستاده به راحتی شماره رمز مشتری‌ها را دیده و در جایی یادداشت کرده است، می‌تواند بعداً از روی این اطلاعات با همکاری همدستانش یک کارت اعتباری جدید ساخته و استفاده نماید.

حیله لبنانی (Lebanese loop)

این نوع از حمله از آنجا که برای نخستین بار و به میزان بسیار زیاد در لبنان مورد استفاده قرار گرفته است، حیله لبنانی نامیده می‌شود. در این روش از یک آستین پلاستیکی (Plastic Sleeves) که توضیح داده خواهد شد، استفاده می‌شود. حلقه (loop) در اینجا به معنای عقب و جلو رفتن کارت در ماشین بوده و در حقیقت بدین معناست که کارت گیر کرده و سرگردان شده است.

روش عمل آستین پلاستیکی بدین صورت است که در ابتدا کاربر کارت را وارد دستگاه می‌کند اما هر چه رمز کارت را وارد می‌کند، دستگاه پیغام خطای رمز داده و کارت را نیز بر نمی‌گرداند. معمولاً یک مشتری دیگر هم پشت سر کاربر ایستاده و در زمانی که کاربر مستأصل می‌شود آن مشتری نما که پشت سر وی ایستاده بوده ممکن است پیشنهاد کمک دهد و بگوید که این دستگاه قبلاً نیز این مشکل را داشته و او می‌تواند مشکل را حل کند. او شماره رمز را از کاربر پرسیده یا از او می‌خواهد که آن را دوباره وارد نماید و بدین ترتیب رمز وی را کشف می‌نماید (و یا قبلاً از پشت سر، رمز را که چند بار وارد شده است، مشاهده و به خاطر سپرده است) دستگاه باز هم کارت را پس نداده و شماره‌ی رمز را نیز قبول نمی‌کند. در نهایت کاربر، کارت را در دستگاه رها کرده و همان مشتری نما از حساب بانکی طعمه، پول برداشت می‌کند.

روش این حقه‌ی ساده بدین صورت است که آن مشتری قبلاً یک ورقه پلاستیکی بسیار نازک و تقریباً غیرقابل دید (مثل یک آستین نامرئی) را در دریچه کارت‌خوان آن دستگاه وارد کرده و منتظر قربانی است. وقتی قربانی، کارت را داخل دستگاه می‌کند، آن کارت درون یا زیر ورقه پلاستیکی رفته و دستگاه نمی‌تواند کارت را بخواند و بنابراین توانایی خواندن شماره‌ی رمز را نیز ندارد. پس از رها کردن کارت توسط مشتری و رفتن وی، شاید به سادگی لبه برجسته یا کمی خم شده آن پلاستیک را (که شامل کارت نیز هست) از درگاه دستگاه بیرون می‌کشد و کارت را دوباره بدون آن پلاستیک به دستگاه وارد می‌کند و شماره رمز را هم می‌داند. حتی ممکن است که پشت سر قربانی نباشد بلکه با استفاده از یک دوربین پلاستیکی بسیار کوچک و مخفی که قبلاً در بالای آن دستگاه نصب شده، شماره رمز کارت قربانی را کشف نماید. (تصرفی منش، ۱۳۹۱)

دلایل وقوع تقلب و اختلاس در بانک‌ها

طی سال‌های اخیر شاهد گزارش‌های متعددی از اختلاس در بانک‌ها و مؤسسات مالی کشور بوده‌ایم. بانک‌ها و مؤسسات مالی به سبب فعالیت اصلی آن‌ها (سروکار داشتن با وجوه نقد) و حجم بالای معاملات و تراکنش‌های مالی در معرض تقلب و اختلاس هستند. واژه اختلاس همان‌طور که اشاره شد، تعاریف گوناگونی دارد و به‌طور کلی به برداشت غیرقانونی اموال دولتی یا غیردولتی که از سوی کارمندان و مدیران انجام می‌گیرد، گفته می‌شود. اختلاس گونه‌ای از کلاهبرداری محسوب می‌شود که بیشتر به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده، منظم و پنهان و بدون رضایت و آگاهی دیگران انجام می‌پذیرد. همچنین تقلب نیز به فساد مالی، سوءاستفاده از دارایی‌ها و گزارش متقابلانه مالی گفته می‌شود. موضوع تقلب نیز منابع داخلی (مدیران و کارکنان) و خارجی (سهامداران، مشتریان، سپرده‌گذاران و...) را شامل می‌شود. بنابراین برای بررسی این که چرا اختلاس و تقلب رخ می‌دهد، نخست باید فلسفه‌ی چرایی و چگونگی انجام تقلب بررسی شود.

نخستین و مهم‌ترین عامل تقلب نیروی انسانی و عمده تقلب‌های انجام‌یافته نیز متوجه مدیران ارشد بانک‌هاست. حال باید بررسی شود که آیا در انتخاب مدیران و حتی کارکنان بانک‌ها دقت لازم به کار گرفته شده است؟ به‌واسطه نقش اساسی بانک‌ها در اقتصاد کشور باید انتخاب مدیران و کارکنان با دقت لازم و کافی صورت گیرد. صلاحیت، دانش و مهارت مدیران قبل از استخدام باید بررسی و سازوکار لازم برای ارزیابی آنان فراهم شود. به‌طور کلی عوامل مؤثر بر اختلاس و تقلب در بانک‌ها را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. واژه گمشده‌ی اخلاق حرفه‌ای در فرهنگ

وقتی ناهنجاری‌ها به ارزش تبدیل شوند و درستی و نادرستی قابل تشخیص نباشند، انسان‌ها در برخورد با تقلب به تفسیر شخصی و توجیحات گوناگون می‌پردازند. بنابراین اخلاق حرفه‌ای به فراموشی سپرده می‌شود و انجام هر کاری از هر کسی برمی‌آید.

۲. عدم صلاحیت فنی برخی از مدیران و کارکنان

در استخدام کارکنان باید تحصیلات، سوابق حرفه‌ای، دانش و مهارت، ارتباطات، برنامه‌های مدیران و... بررسی شود. وقتی از مدیران ناآشنا و فاقد تحصیلات در حوزه‌ی مالی استفاده شود، طبعاً شاهد چنین رویدادهایی خواهیم بود. برعکس چنانچه بخواهیم از مدیر باصلاحیت در این حوزه استفاده کنیم، باید یکسری شرایط و محدودیت‌ها را برطرف کرد. به‌طور مثال مدیری که مناسب جایگاه خود و توانمند باشد، حق و حقوق متفاوتی را طلب می‌کند.

۳. تجربه، آموزش و استقلال حسابرسان در صنعت بانکداری

عدم پرداخت حق‌الزحمه مناسب، ناآشنایی و عدم تسلط برخی از حسابرسان و همچنین عدم تخصیص زمان مناسب برای حسابرسی باعث می‌شود تا ضعف‌ها و ایرادات گزارشگری مالی به‌خوبی شناسایی و گزارش نشود. در انتخاب حسابرسان بانکی باید قوانین و مقررات اصلاح شوند

و پرداخت حق الزحمه نیز باید متناسب با کار حرفه‌ای انجام شده، پیچیدگی ساختار بانکی، مسئولیت خطیر حسابرسان و... باشد.

۴. عدم شناسایی و مدیریت ریسک‌ها از سوی مدیر

عدم شناسایی و ارزیابی سیستم کنترل‌های داخلی و ریسک‌های محتمل بر فرآیندها از سوی مدیران باعث می‌شود اطمینان‌بخشی نسبت به صحت و کارایی عملیات و سودمندی و اثربخشی فعالیت‌ها وجود نداشته باشد. به‌رغم الزام تشکیل کمیته‌های ریسک در بانک‌ها، معمولاً توجهی به گزارش‌های کمیته نمی‌شود. در ضمن ساختار کمیته ریسک نیز باید براساس فعالیت‌های بانک دائماً بازبینی و اصلاح شود.

۵. نبود نیروهای متخصص در حسابرسی داخلی بانک‌ها

با توجه به عدم پرداخت حقوق مناسب به حسابرسان داخلی و نادیده گرفتن جایگاه حسابرسی داخلی در بانک‌ها، معمولاً انگیزه کافی برای کار کردن در چنین شرایطی از بین می‌رود. در عمده موارد، نگاه مدیران به گزارش‌های حسابرسان داخلی شکلی است و حتی در انتخابات مدیران حسابرسی داخلی نیز از افراد غیرمتخصص استفاده می‌کنند.

۶. عدم کارایی سیستم‌های کنترلی و نظارتی

در مجموع نظارت کافی بر معاملات بانک‌ها صورت نمی‌گیرد و در زمان پرداخت وام‌ها معمولاً رویه‌های داخلی به‌درستی طی نمی‌شود و ضمانت‌های لازم اخذ نمی‌گردد. سیستم بوروکراسی پیچیده عمدتاً برای وام‌های با مبالغ پایین است. در زمینه‌ی وام‌های کلان به دلیل نبود سیستم کنترل‌های داخلی در این زمینه و رعایت نکردن قوانین، شاهد پرداخت نکردن مطالبات از سوی وام‌گیرندگان هستیم. سیستم‌های کنترلی و نظارتی معمولاً پیشگیرانه نیستند و بعد از وقوع تقلب کشف می‌شوند.

۷. عدم استقرار سیستم بانکداری مناسب و بنگاهداری بانک‌ها

بانک‌ها به‌جای پرداختن به فعالیت اصلی خودشان در حوزه‌ی بانکداری، مشغول دلالتی و بنگاهداری هستند. بانک‌ها باید به بانکداری و تأمین منابع فعالان اقتصادی مشغول باشند. بنگاهداری بانک‌ها و نگهداری اموال را کد موجب ایجاد تورم خواهد شد. در همین راستا تدابیری از سوی قانون‌گذار در اجرای ماده ۱۶ قانون رفع موانع تولید، بانک‌ها را مکلف کرده که سالانه ۳۳ درصد از اموال منقول و غیرمنقول و سرقتی را کد را که به تملک آن‌ها درآمده و به تشخیص شورای پول و اعتبار مازاد است، واگذار کنند. تقلب و فساد در سیستم بانکی تهدید جدی برای جامعه به‌شمار می‌آید و هزینه‌های سنگینی به اقشار مختلف تحمیل می‌کند. به نظر می‌رسد در اصلاح سیستم بانکداری و گذار از وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب به زمان زیادی نیاز داریم. به‌هرحال فرصت و امکان فساد و تقلب زمانی که سیستم کنترل‌های داخلی بانک‌ها ضعیف، ارکان مدیریتی کم اثر، کیفیت کار حسابرسان مستقل و داخلی پایین، نظارت از سوی مراجع نظارتی ناکار، انگیزه‌های شخصی بالا و... باشند، افزایش می‌یابد.

اصول اساسی کمیته بال و بانکداری سالم و باثبات

کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه که در مراحل مختلفی از توسعه‌ی اقتصادی به سر می‌برند، قوانین بانکداری خود را بر اساس نیازهای اقتصادی کشور خودشان ایجاد کرده‌اند و در اغلب موارد بدون توجه به استانداردها و اهداف بین‌المللی، اهداف بانکداری داخلی خود را تعقیب می‌کنند. در چنین فضایی، ارتباط مستقیم صنعت بانکداری و دولت که توسط تعیین الزامات عملیاتی بانک‌ها توسط دولت صورت می‌گیرد، نیز تعیین‌کننده اهداف سیستم بانکی می‌شود.

اما در عصر جدید و در راستای تحولات در بازارهای سرمایه جهانی، ارتباط مستقیم دولت و بانکداری، ضرورتی چندانی ندارد. دولت‌ها می‌توانند مخارج اضافی و کسری‌های خود را از بازارهای سرمایه داخلی و بین‌المللی تأمین اعتبار نمایند و این باعث حذف نیاز به دخالت دولت در بانکداری می‌شود و دولت‌ها را قادر می‌سازد تا بر کاربرد استانداردهای مقرراتی در جهت عملکرد مناسب و مطمئن نظام بانکی تمرکز نمایند.

از سوی دیگر، در واکنش به توسعه‌ی شتابان بانکداری چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی و افزایش فزاینده ریسک‌های قابل‌سرایت به کشورهای دیگر، بانک تسویه‌حساب‌های بین‌المللی (BIS)، اقدام به تدوین استانداردهای بین‌المللی برای حصول اطمینان از صحت و سلامت بانک‌ها کرده است. دو دلیل عمده برای توافقات بین‌المللی در خصوص خدمات مالی چنین مطرح می‌شود که: ۱- تشخیص مشترکی از یک مسأله عمومی وجود دارد. ۲- تشخیص مشترکی از چگونگی عملکرد سیستم مالی وجود دارد و این که چگونه سیاست‌های عمومی می‌تواند ریسک‌های سیستماتیک را کاهش دهد. بحران‌های به‌وجود آمده در سال‌های اخیر به‌عنوان تسهیل‌گر چنین توافقاتی بوده‌اند.

کمیته نظارتی بال در سال ۱۹۹۷ و ۲۰۰۱، رهنمودهایی را با عنوان اصول اساسی برای نظارت کارآمد بانکی، حسابرسی داخلی در بانک‌ها و ارتباط ناظرین بانکی با حساب‌رسان منتشر نموده است. این کمیته در طول سال‌ها تلاش کرده است که کشورهای مختلف از سرتاسر دنیا را به تشخیص مشترکی در مورد چگونگی عملکرد سیاست‌های مالی برساند و چگونگی کاهش ریسک سیستماتیک را در اصول اولیه خود خاطر نشان سازد. بسیاری از این استانداردها، در طول زمان و با توجه به تبعات و نتایج بحران‌های مختلف، به‌روز شده‌اند و از این رو، اصول اولیه مذکور به‌عنوان راه‌حلی برای مسایل و مشکلات واقعی مدنظر قرار می‌گیرند. همچنین این استانداردها نشان می‌دهند که مشکلات بانکداری، ریسکی بسیار جدی را بر پایداری مالی تحمیل می‌کنند. چراکه سرایت شکست یک بانک منفرد به‌طور بالقوه می‌تواند آسیب‌های معنی‌داری را به کل سیستم بانکداری بین‌المللی و اقتصاد بسیاری از کشورها وارد آورد.

در حال حاضر، کمیته نظارت بانکی بال که اجلاس‌های آن در بانک تسویه‌حساب‌های بین‌المللی واقع در شهر بال سوئیس برگزار می‌شود، به مهم‌ترین مرجع تخصصی در زمینه‌ی نظارت بانکی تبدیل شده و استانداردها، رهنمودها و پیشنهادها منتشر شده از سوی این کمیته بر طراحی الگوهای نظارتی و تدوین

بسیاری از مقررات و الزامات احتیاطی در کشورهای مختلف سایه افکنده است. یکی از مهم ترین اسنادی که از سوی این کمیته به رشته‌ی تحریر درآمده است «اصول اساسی برای نظارت بانکی مؤثر» است. این اصول به دنبال هدایت بانکداری به مسیری صحیح و مطمئن است آن چنان که استراتژی‌های بانکداری قابل دسترس گردد. این اصول در پی حصول اطمینان از موارد زیر است:

- وجود یک محیط اقتصاد کلان سالم به عنوان پیش شرط فعالیت بانکی؛
- مدیران و مالکان، قابل اطمینان بوده و از قدرت کارشناسی و مالی برخوردار باشند؛
- ریسک‌های مرتبط با فعالیت‌ها تفهیم، اندازه‌گیری و کنترل شود تا از اتخاذ ریسک‌های غیر معمول پرهیز گردد؛
- انجام نظارت حضوری و غیر حضوری برای نظارت بر رعایت الزامات احتیاطی توسط بانک‌ها. به طور کلی اصول نظارت مؤثر برای حمایت از ایجاد بخش مالی قدرتمند، منعطف، پایدار و متناسب با زیرساخت‌های اقتصادی هر کشور طراحی شده است. هدف این اصول، تعیین مجموعه خاصی از مقررات و الزامات نیست بلکه کمک به ایجاد یک سیستم مالی است که برای هر بازاری مناسب بوده، آن را پایدار و کارا نگه می‌دارد.
- این که سیاست‌گذاران اقتصادی یک کشور بخواهند از تجربه جهانی در خصوص چالش‌ها و ریسک‌های بانکداری استفاده کنند و با به کارگیری اصول مشخصی، سلامت نظام بانکی خود را بهبود بخشند، موضوعی است که نیازمند فهم دقیق عملیات بانکداری و داشتن افق دید بلندمدت به اقتصاد و شفافیت آن می‌باشد.

نظارت کارآمد در بانک‌ها؛ بازرسان و حسابرسان داخلی

برخورداری واحدهای بانکی از یک نظام نظارتی کارآمد، امر طبیعی است که اطمینان خاطر را برای آگاهی از عملکرد بانک به شیوه‌ای ایمن و صحیح فراهم می‌سازد. وجود نقاط ضعف در نظام بانکی هر کشوری می‌تواند ثبات مالی آن را مورد تهدید قرار دهد لذا نیاز به بهبود نظام‌های نظارتی مالی، توجه بین‌المللی فزاینده‌ای را به خود جلب نموده است.

اگرچه براساس تعریف، حسابرسان مستقل به واحد بانکی تعلق نداشته و از این رو بخشی از نظام کنترل داخلی بانک به حساب نمی‌آیند، لیکن دارای تأثیر مهمی بر کیفیت کنترل‌های داخلی هستند. این مهم از طریق فعالیت‌های حسابرسی آن‌ها از جمله تبادل نظر با مدیریت و ارائه توصیه‌هایی چند در خصوص بهبود کنترل‌های داخلی انجام می‌پذیرد. حسابرسان مستقل بازخورد مهمی را در مورد اثربخشی نظام کنترل داخلی فراهم می‌آورند.

اگرچه هدف اولیه حوزه حسابرسی مستقل، اظهارنظر پیرامون حساب‌های سالیانه یک بانک است، لیکن حسابرس مستقل باید راجع به این موضوع تصمیم بگیرد که آیا می‌تواند به اثربخشی نظام کنترل داخلی بانک اعتماد نماید. به این دلیل، حسابرسان مزبور باید اقدام به شناخت نظام کنترل

داخلی واحد مزبور نمایند تا از رهگذر آن مشخص نمایند که در تعیین ماهیت، زمان‌بندی و حیطه‌ی روش‌های حسابرسی خود تا چه حد به نظام مزبور اتکا نمایند.

نقش واقعی حساب‌برسان مستقل و فرآیندهای مورد استفاده آن‌ها، از کشوری به کشور دیگری متفاوت است. در بسیاری از کشورها، استانداردهای حرفه‌ای حساب‌برسی الزام دارند که حساب‌برسی‌ها به گونه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا شوند که به حصول اطمینانی منطقی در مورد عاری بودن صورت‌های مالی از اظهارات خلاف واقع مؤثر بیانجامد. همچنین حساب‌برسان به صورت گزینشی به بررسی سوابق و رویدادهای مالی مهمی می‌پردازند که تراز صورت‌های مالی و اقلام افشاشده در این زمینه، مبتنی بر آن‌ها هستند. یک حساب‌برس، اصول و خط‌مشی‌های مورد استفاده در حساب‌داری و نیز سایر برآوردهای مهم انجام‌شده از سوی مدیریت را ارزیابی نموده، شیوه‌ی ارائه صورت‌های مالی را به‌طور کلی مورد بررسی قرار می‌دهد. در برخی کشورها، مراجع نظارتی از حساب‌برسان مستقل می‌خواهند که در مورد حیطه، کفایت و اثربخشی نظام کنترل داخلی یک بانک از جمله نظام حساب‌برسی داخلی آن ارزیابی ویژه‌ای به عمل آورند.

هرچند، یکی از وجوه اشتراک موجود در میان تمامی کشورها این است که از حساب‌برسان مستقل انتظار می‌رود تا آنجا که به صحت صورت‌های مالی بانک ارتباط دارد، شناخت کاملی از فرآیند کنترل داخلی آن به‌دست آورند.

میزان توجهی که به‌نظام کنترل داخلی می‌شود برحسب حساب‌برس و بانک تغییر می‌کند، لیکن عموماً این توقع می‌رود که نقاط ضعف مهمی که مورد شناسایی حساب‌برسان واقع شده‌اند در نامه‌های محرمانه به مدیریت و در بسیاری از کشورها به مرجع نظارتی گزارش شوند. در بسیاری از کشورها نیز الزامات نظارتی ویژه‌ای وجود دارد که براساس آن‌ها، حساب‌برسان مستقل موظف به بیان شیوه‌ای هستند که کنترل‌های داخلی را بر مبنای آن، ارزیابی و گزارش می‌نمایند.

کنترل داخلی

از مهم‌ترین سازوکارهایی که در زمینه‌ی هدایت اثربخش و کارایی سازمان‌ها به‌خصوص بانک‌ها و نهادهای مالی ابداع شده است، مفهوم کنترل‌های داخلی است. این مفهوم را می‌توان مولود توسعه‌ی تفکر سازمانی و پیچیدگی ساختار سازمان‌ها دانست که خود، محصول تکامل جوامع بشری و تعمیق مفاهیم و مناسبات تجاری و صنعتی در آن‌ها است. پیامد تکامل این مناسبات، تفکیک مفاهیم «نظارت» و «اجرا» بود. بستری که در ابتدا، با تفکیک دو مقوله «مالکیت» و «مدیریت» از یکدیگر و تأکید بر ضرورت کنترل عملکرد مدیران توسط مالکان، زمینه ایجاد حرفه‌ی حساب‌برسی را پدید آورد و در ادامه‌ی روند تکاملی خود، به گسترش و تعمیق مفهوم دیگری با عنوان «کنترل‌های داخلی» انجامید.

کنترل داخلی، بخش مهمی از مدیریت یک سازمان است، بخشی که شامل برنامه‌ها، روش‌ها و رویه‌های مورد استفاده سازمان در دستیابی به رسالت وجودی و اهداف خرد و کلان خود است. هدف نظام کنترل داخلی و حساب‌برسی، بهبود توان مدیریت مالی و اداری از طریق تحدید آن گروه

از رفتارهای مالی است که به اتلاف و تخصیص نامناسب منابع و بروز فساد می‌انجامد. استقرار و استمرار یک نظام کنترل داخلی توانمند در سازمان، امکان مدیریت کارا و مؤثر سازمان را برای مدیریت آن فراهم می‌آورد. مدیران به‌خوبی می‌دانند در نبود یک سیستم کنترل داخلی اثربخش، تحقق رسالت اصلی شرکت، حفظ سودآوری و به حداقل رساندن رویدادهای غیرمنتظره بسیار مشکل است. مدیریت در مصاف با تغییرات سریع محیط‌های اقتصادی و رقابتی و تغییر تقاضا و سلیقه مشتریان و تجدید ساختار به‌منظور رشد در آینده، سیستم کنترل داخلی را به خدمت می‌گیرد تا بتواند به‌موقع از خود واکنش مناسب نشان دهد. ضمناً کنترل‌های داخلی باعث افزایش کارایی، کاهش ریسک از دست دادن دارایی‌ها و حصول اطمینان معقول از قابلیت اعتماد صورت‌های مالی و رعایت قوانین و مقررات می‌شوند. (Clifton Phua, 2008)

برای دستیابی به اکثر اهداف مهم، به کارگیری کنترل‌های داخلی اجتناب‌ناپذیر است. به همین دلیل، تقاضا برای سیستم‌های بهتر و برتر کنترل داخلی و گزارش عملکرد آن‌ها دائماً رو به افزایش است. با دقت نظر بیشتر، می‌توان دریافت که کنترل داخلی ابزاری مفید برای حل بسیاری از مشکلات بالقوه است و هدف از ایجاد آن، کسب اطمینان منطقی و معقول از دستیابی به اهداف زیر است:

۱. اثربخشی و کارایی عملیات
 ۲. قابلیت اعتماد به گزارش‌گری مالی
 ۳. پابندی به قوانین و مقررات جاری
- در کنترل‌های داخلی، سعی بر آن است تا از تحقق موارد زیر اطمینان حاصل شود:
- ۱- فعالیت یک بانک به روشی محتاطانه و در انطباق با خط‌مشی‌ها و استراتژی‌های تدوین‌شده از سوی هیأت مدیره بانک انجام می‌شود؛
 - ۲- معاملات فقط با اختیارات لازم به جریان می‌افتند؛
 - ۳- گزارش‌های حسابداری و غیره اطلاعاتی کامل، دقیق و به‌موقع را فراهم می‌آورند؛
 - ۴- مدیریت قادر به شناسایی، ارزیابی، اداره و کنترل ریسک‌های این حرفه (بانکداری) هستند.
- بنابراین کنترل‌های داخلی باید موارد زیر را در برگیرند:
- ترتیبات مشخصی برای تفویض اختیار و مسئولیت؛
 - تفکیک وظایف تعهدآور بانک، پرداخت وجوه و حسابداری دارایی‌ها و بدهی‌ها از یکدیگر؛
 - رفع مغایرت از این فرآیندها؛
 - محافظت از اموال بانک.

به‌عنوان مثال، مدیریت مؤثر بسیاری از ریسک‌های بانکی به‌خصوص ریسک عملیاتی، مستلزم استقرار نظام کنترل داخلی توانمندی است که در تمامی وظایف و ارکان بانک جریان داشته باشد. همچنین در بررسی نارسایی‌های مربوط به حاکمیت شرکتی بسیاری از سازمان‌ها، فقدان یک نظام کنترل داخلی را از مهم‌ترین علل اثرگذار در این رابطه دانسته‌اند. از این‌رو، نظام کنترل داخلی

همچون بازوی توانمندی است که به کمک آن می‌توان ریسک‌های بانکی را به شیوه‌ای اثربخش مدیریت و از استقرار نظام توانمندی از حاکمیت شرکتهای اطمینان حاصل نمود.

وضعیت نظام بازرسی بانک‌ها در ایران

در شرایط فعلی، بانک‌ها و سیستم‌های بانکی از لحاظ رعایت استاندارد حسابرسی و کنترل داخلی وضعیت یکسانی ندارند، برخی بانک‌ها با عنایت به اهمیت فناوری اطلاعات در مدیریت و نظارت بر عملیات بانکی، اقدامات مناسبی در راستای استقرار سیستم بانکداری الکترونیک انجام داده‌اند، برخی نیز کمتر سرمایه‌گذاری کرده‌اند و لذا محیط ریسکی بیشتری برای تخلفات و موارد عدم رعایت مقررات حاکم دارند. لذا میزان توجه به نظام کنترل‌های داخلی و سرمایه‌گذاری در استقرار این نظام، قطعاً شرایط محیطی مناسب‌تری برای اداره‌ی مطلوب و کم‌خطرتر بانک فراهم می‌کند (کمالی، ۱۳۹۱).

از زاویه رعایت استانداردهای حسابداری، با توجه به الزام بانک‌ها به انجام حسابرسی مستقل سالانه صورت‌های مالی، بانک‌ها عمدتاً نسبت به رعایت استانداردهای حسابداری در تهیه‌ی صورت‌های مالی خود اقدام می‌کنند و لذا اظهارنظر حسابرسی مستقل حسب اطلاعات موجود، مقبول یا مشروط بوده و شاهد گزارش‌های مردود نیستیم، اما این امر به مفهوم عدم وجود ضعف کنترل و فقدان موارد خلاف قوانین و مقررات نیست و صرفاً حاکی از مطلوب بودن انعکاس صورت‌های مالی است.

ایمن کردن سیستم هر بنگاه در مقابل تخلفات، مستلزم تدوین و پیاده‌سازی سیاست‌های ضدتقلب، استقرار نظام کنترلی، ایجاد محیط مناسب کنترلی‌ها و متعهد بودن مدیران به رعایت اخلاق، پایش مستمر و سیستماتیک مدیریت و انجام بازرسی‌های موردی، آموزش‌های مناسب برای مدیران و کارکنان در راستای جلوگیری، کشف و گزارش موارد تقلب، تقویت حسابرسی داخلی و حسابرسی مستقل و انجام حسابرسی‌های غیرمنتظره، تقویت سازوکار اخذ اطلاعات از مخبرین و برقراری نظام اطلاعات و ارتباطات مناسب است.

در این رابطه طراحی نظام مدیریت و مقابله با تقلب مشتمل بر تدوین برنامه‌ی مدیریت خطر تقلب، ارزیابی دوره‌ای خطر تقلب، تدوین ضوابط پیشگیری از تقلب، مستندسازی فنون کشف تقلب و استقرار فرآیندهای داخلی برای کشف و گزارش تقلب، امری اساسی است.

اقدامات بانک‌ها در این زمینه متفاوت است و تعیین درجه‌ی ایمن‌سازی، نیازمند بررسی‌های دقیق و ارزیابی جامع موارد فوق در هر بانک است، اما در سطح کلان می‌توان گفت که با شرایط مطلوب و مناسب فاصله معناداری وجود دارد.

قطعاً با توجه به پیشرفت فناوری و مدرن شدن نظام‌های مدیریتی و اجرایی، تجهیز نظارت به فناوری روز از ضروریات اداره مناسب هر بنگاه است و قطعاً بانک‌ها نیز از این قاعده‌ها مستثنا نیستند. در شرایط انجام تراکنش‌های چند ده میلیونی، استفاده از روش‌های سنتی نظارت به‌ویژه روش‌های دستی قطعاً مؤثر نخواهد بود. این امر به‌عنوان یک ضعف مهم تلقی شده و موجب افزایش ریسک فساد مالی خواهد شد. به‌عبارت‌دیگر هر میزان کنترل‌های داخلی از شرایط فناوری روز عقب‌تر باشد، زمینه مساعدتری برای افزایش ریسک فساد مالی ایجاد خواهد کرد.

نقش استانداردهای حسابداری

استانداردهای حسابداری با این هدف تدوین می‌شود که اطلاعات و صورت‌های مالی و روش‌های شناخت و اندازه‌گیری وقایع یکسان باشد و از به کارگیری ضوابط دلخواه پیشگیری شود. بانک‌ها از یک سو نقش واسطه‌گری مالی را به عهده دارند و با سپرده‌گذاران و متقاضیان دریافت تسهیلات مالی، سروکار دارند و از سوی دیگر بر سلامت سیستم پولی و ثبات کشور تأثیر می‌گذارند. به این ترتیب قوانین و مقررات خاص در مورد نظام بانکی وضع و از طریق نظارت بانک مرکزی به اجرا درمی‌آیند. در ایران به موجب ماده ۳۲ قانون پولی کشور، شورای پول و اعتبار مرجع تعیین نحوه و اصول حسابداری بانک‌ها، صورت‌های مالی، استهلاک و اندوخته‌ها تعیین شده و مصوباتی نیز در این زمینه ابلاغ شده است. همچنین **کمیته نظارت بانکی بال** در سطح بین‌المللی مقرراتی در مورد بانک‌ها وضع می‌کند که در ایران، بانک مرکزی مقررات کمیسیون بال را ابلاغ می‌نماید و سازمان حسابرسی نیز استانداردهای حسابداری را تنظیم و ابلاغ نموده است که بانک‌ها این مجموعه را رعایت می‌کنند.

مرجع تدوین رسمی استانداردهای حسابرسی برای تمام بنگاه‌ها در سطح کشور از جمله بانک‌ها سازمان حسابرسی است. حساب‌رسان طبق استانداردها همچنین مکلف‌اند در شرایط احتمال خطر وجود تقلب نسبت به موارد زیر اقدام کنند:

انجام بررسی‌های محتوایی تکمیلی برای اطمینان از وجود تحریف، بررسی دوباره، ماهیت، زمان‌بندی اجرا و حدود سایر روش‌های حسابرسی، بررسی ارتباط تحریف شناسایی با تقلب و ارزیابی آثار آن، ارزیابی اثر تحریف بر گزارش حسابرسی، مستندسازی عوامل خطر تقلب، اخذ تأییدیه از مدیران با عطف توجه به اعمال تعدیل‌های ضروری ناشی از تقلب و اطلاع‌رسانی تقلب به مراجع ذی‌صلاح.

حساب‌رسان بانکی

در خصوص حسابرسی بانک‌ها باید گفت، حساب‌رسان بانک‌ها علاوه بر شرایطی که حساب‌رسان دیگر واحدهای تجاری باید از آن‌ها برخوردار باشند، باید ویژگی‌های دیگری از جمله توانایی حسابرسی فناوری اطلاعات و شبکه‌های ارتباطی، آگاهی از قوانین و مقررات لازم‌الاجرا در نظام بانکی، از جمله مقررات بانک مرکزی و همچنین از مهارت لازم در زمینه‌ی حسابرسی فعالیت‌های بانکی برخوردار باشند.

یکی از عوامل مؤثر و مهم در این راستا مؤثر کردن حسابرسی داخلی بانک‌ها، راهبری شرکتی و کنترل‌های داخلی اثربخش است. کنترل‌های داخلی واکنش مدیریت برای مدیریت ریسک‌های پیرامون واحد تجاری است. امروزه از کنترل‌های داخلی فقط تأمین هدف حفاظت از دارایی‌ها انتظار نمی‌رود، بلکه کنترل‌های داخلی در دو سطح بانک و سطح فعالیت‌ها و فرآیندها طراحی می‌شود. در بانک‌ها به لحاظ گستردگی عملیات، کثرت معاملات و عوامل اقتصادی دیگر، باید

سیستم‌های کنترل داخلی قوی پیاده‌سازی شود و متناسب تغییرات به‌روز شود. عملاً پایه اصلی بسیاری از سوء جریان‌های مالی، نبود کنترل داخلی مناسب یا اعمال نکردن کنترل‌ها بوده است. در واقع در بانک‌ها به‌رغم وجود دستورالعمل کنترل‌های داخلی و بخشنامه‌های بانک مرکزی و همچنین درباره بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس، وجود الزامات بورس اوراق بهادار، نظام کنترل داخلی کارآمدی که روزآمد نیز باشد استقرار نیافته است.

در بخش استانداردهای حسابداری و الزامات گزارشگری مالی و نیز مقررات بین‌المللی از جمله مقررات کمیسیون بال، به نظر نمی‌رسد در نظام بانکداری ضعف‌های فراوانی وجود داشته باشد؛ اما در مورد استانداردهای حسابرسی به لحاظ جایگاه بالای لزوم حسابرسی با فناوری اطلاعات و نبود مهارت گسترده‌ی حساب‌رسان در این زمینه، به نظر می‌رسد فرصت بهبود زیادی وجود داشته باشد. در مجموع بانک‌ها از نظر استقرار یک نظام جامع کنترلی در شرایط یکسانی نیستند، اما به‌طور میانگین وضعیت مناسبی در خصوص استقرار نظام کنترلی ندارند و شاهد ضعف‌های جدی در این زمینه هستیم. دلایل بروز اختلاس در سیستم بانکی، ناشی از ضعف‌های موجود در نظام کنترل‌های داخلی بانک است، به‌طور مثال وقتی شعبه‌ای با حجم عملیات محدود و ظرفیت اعتباری پایین قادر است با هماهنگی نفراتی در داخل بانک، حجم عظیمی اعتبار اسنادی بدون پشتوانه و خلاف مقررات صادر نماید، یا اعتبار در حساب بانکی مشتریان، بی‌حساب افزایش می‌یابد و این امر به نحو مناسبی خود را نشان نمی‌دهد یا حجم عمده‌ای ضمانت‌نامه صادر می‌شود که به نحو مناسب در سیستم قابل ردیابی نیست، این‌ها نشان از ضعف جدی سیستم دارد. به عبارت بهتر در یک نگاه جامع، همه عملیات بانک باید در نظام جامع بانکی ثبت و به نحو مناسب با نظام کنترلی مورد پایش قرار گرفته و موارد خاص از طریق واحد بازرسی پیگیری شود. اگر همه این موارد با یکدیگر و به‌طور یکپارچه انجام نشود طبیعتاً شاهد موارد تقلب و فساد در نظام بانکی خواهیم بود.

نقش نظارتی بانک مرکزی در جلوگیری از فساد نظارتی

بانک مرکزی از جهات مختلف می‌تواند نقش کلیدی در ارتقای سطح کیفی بانک‌ها ایفا کند. بانک مرکزی از طریق واحد نظارت بر بانک‌ها به‌عنوان مقام ناظر با الزام بانک‌ها به رعایت قوانین و مقررات و استقرار نظام کنترل‌های داخلی در این امر، نقش قابل توجهی دارد. در این راستا اقداماتی مانند انجام نظارت و بازرسی‌ها برای اطمینان از رعایت بخشنامه‌ها و مقررات و برقراری و اتصال سیستم کنترلی بانک به سیستم‌های بانک مرکزی برای نظارت بر خط و استفاده از مؤسسات تخصصی حسابرسی برای نظارت دقیق و مؤثر بر بانک‌ها، طبقه‌بندی و نظارت بر تعیین حساب‌رسان مستقل و الزام حساب‌رسان مستقل بانک‌ها به ارزیابی دقیق سیستم‌های کنترلی بانک و درج موارد ضعف و اشکال، نظارت بر تعیین مدیران ذی‌صلاح در سیستم بانکی، سوق دادن بانک‌ها به سمت استقرار نظام راهبری با نگاه تقویت اعضای غیرموظف هیأت‌های تخصصی داخلی و تجهیز به فناوری روز و انجام حسابرسی مستمر از جمله موارد مهم در رابطه با ایفای این نقش است. گسترش شبکه بانکی از

یک سو و افزایش حجم عملیات بانکی از سوی دیگر مستلزم گسترش کمی نظارت بانک مرکزی است و از سوی دیگر وجود مقررات متعدد لازم الاجرا توسط بانکها و ضرورت به روز کردن اطلاعات مربوط از جمله ابزار مورد نیاز برای نظارت است که باید در این زمینه بانک مرکزی با طراحی ساختارهای بهتر و با بهره‌مندی از سیستم‌های به روز به اثربخشی نظارت فعلی بیفزاید. هم‌اکنون تمام بانکها به صفت دولتی بودن یا پذیرفته شدن در بورس یا الزامات مقرر از طرف بانک مرکزی، مورد حسابرسی مستقل قرار می‌گیرند.

البته چند سال قبل از سوی بانک مرکزی ضوابطی نیز برای تعیین شرایط احراز این حساب‌برسان تعیین شده است. در حال حاضر بانک‌های دولتی توسط سازمان حسابرسی و دیگر بانک‌ها توسط مؤسسات حسابرسی خصوصی عضو جامعه حسابداران رسمی مورد حسابرسی مستقل قرار می‌گیرند. گزارش‌های حساب‌برسان مستقل نیز حاوی اشکالاتی درباره‌ی عدم رعایت استانداردهای حسابداری یا ضعف سیستم‌های کنترلی داخلی یا عدم رعایت قوانین و مقررات است.

لزوم اجرای استانداردهای جدید بال و مفاهیمی چون حاکمیت شرکتی

مجموعه استانداردهای بین‌المللی مانند مصوبات کمیسیون بال و مسایل حاکمیت شرکتی تأثیر جدی بر بهبود عملکرد بانکها دارد. حاکمیت شرکتی نظامی است برای ارزش افزایی سهامداران و دستیابی به اهداف شرکت. ضمن این که این امر، شفافیت، پاسخ‌گویی، رعایت حقوق ذی‌نفعان، عدالت و مسئولیت‌پذیری را نیز در پی دارد. در حاکمیت شرکتی دو مفهوم بنیادی نظارت و راهبری نهفته است. نگرشی که امروزه در دنیا وجود دارد این است که بهبود حاکمیت شرکتی شفافیت، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری را در پی خواهد داشت که این امر ابزاری برای نظارت را در بردارد. هرچه بانکها در جهت استقرار نظام‌های جدید مدیریتی بیشتر اقدام کنند، مانند تقویت نقش اعضای غیرموظف هیأت مدیره، تقویت کمیته‌های تخصصی و نظارتی مانند حسابرسی، ریسک، انتصاب و حقوق و مزایای مدیران و... زمینه نظارتی مناسب‌تری برای تقویت نظام‌های کنترلی و نظارت مؤثرتر بر مدیران اجرایی فراهم می‌شود. البته این موارد در شکل مؤثر و اثربخش آنها مفید هستند نه در شکل ظاهری و تشریفاتی. در بانکها به لحاظ این که سپرده‌گذاران منابع خود را به آنها سپرده‌اند، حفظ اعتماد عمومی در جایگاه بالایی قرار دارد، چراکه در صورت آسیب به اعتماد عمومی فقط بانکها دچار مشکل نمی‌شود، بلکه ممکن است نظام اقتصادی کشور دچار مشکل شود. سال ۱۳۸۵ رهنمودی به نام کنترل داخلی اثربخش در بانکها منتشر شد که بخش قابل ملاحظه‌ای از مباحثی که مربوط به کمیته حسابرسی، کنترل‌های داخلی و کمیته ریسک موضوعیت داشت. در این رهنمود پیش‌بینی و اجرای آن الزامی گردید، اما در عمل به‌درستی پیاده نشد. از سوی دیگر سازمان بورس و اوراق بهادار نیز الزاماتی در این زمینه برای بانک‌هایی که سهام آنها در بورس پذیرفته شده است را ابلاغ کرد.

راهکارهای جلوگیری از اختلاس و فساد مالی در سیستم بانکی

بانک‌ها باید اقدامات متعددی در این خصوص انجام دهند که در شرایط فعلی جای آن خالی است. یکی از این اقدامات تدوین منشور اخلاقی است، یعنی ایفای نقش مدیریت به‌عنوان الگوی اخلاقی، آگاه‌سازی مدیران و کارکنان نسبت به اخلاق حرفه‌ای، ایجاد کمیته اخلاق و انجام مستمر ارزیابی اخلاق، استفاده گسترده از فناوری اطلاعات، ساده‌سازی و شفاف‌سازی فرآیندها و نظارت برخط (آنلاین) بر فعالیت‌ها از طریق استقرار بانکداری متمرکز^۱ برای ردگیری فعالیت‌ها و تراکنش در سیستم‌های باز می‌باشد.

موضوع دیگر در این خصوص، استقرار نظام راهبری مطلوب مشتمل بر تفکیک مسئولیت و تقویت نقش اعضای غیرموظف هیأت مدیره است. در این چارچوب اقداماتی مانند راه‌اندازی مؤثر کمیته‌های حسابرسی، ریسک انتصابات و جبران خدمات مدیران، تقویت واحد حسابرسی داخلی و انجام حسابرسی مستمر، رعایت شایسته‌سالاری در انتصاب مدیران و مسئولان، برقراری ارتباط برخط (Hot line) برای اخذ اطلاعات به‌موقع از مخبرین، ایفای نقش قوی‌تر حسابرسان مستقل، تدوین سیاست‌ها و شاخص‌های ضدفساد و اجرایی کردن و پایش آن، انجام رسیدگی‌های غیرمنتظره و جابه‌جایی کارها و مسئولان، تشویق مخبران، نظارت بر عملکرد همکاران و دقت در تغییر رفتاری و نمایه‌های فسادآمیز و برخورد قاطع با موارد تخلف و فساد کشف‌شده موردنظر است.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که عنوان گردید در طی دو دهه گذشته، دورنمای رقابتی در صنعت بانکداری به‌طور قابل توجهی تغییر یافته است این امر به علت نیروهای هم‌چون قوانین جدید، جهانی‌سازی، رشد فناوری و تبدیل به محصول شدن خدمات بانک و افزایش قابل توجه تقاضای مشتریان است. تحول در فعالیت‌های بانکی و افزایش پیچیدگی بانک‌ها باعث ایجاد مباحث جدیدی در حوزه‌ی تقلب بانکی شده است.

در این نوشتار انواع تقلب بانکی، دلایل پیدایش آن و نیز راهکارهای مقابله با آن مورد بررسی قرار گرفت و اشاره شد که اقتصاد دولتی، سیاست‌های اشتباه پولی و مالی، عدم تطابق بعضی از قوانین، عدم انعطاف قوانین و مقررات بانکداری، راهبری شرکتی نامناسب شامل عدم بهره‌گیری از سیستم‌های پیشرفته حسابداری مدیریت و کنترل و حسابرسی داخلی، فقدان کمیته حسابرسی و درنهایت حسابرسی مستقل ناکارآمد از عوامل بروز این تقلب‌ها در سیستم بانکی کشور هستند. با توجه به رشد روزافزون خدمات مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری به‌صورت الکترونیکی در سطح کشور و افزایش ضریب نفوذ استفاده کاربران از خدمات بانکداری الکترونیک، رویکرد کلاهبرداران و متقلبان به سمت بانکداری الکترونیک نیز رو به افزایش است. بدین ترتیب در صورت

۱- سیستم بانکداری متمرکز به انگلیسی (Core Banking) گونه‌ای از بانکداری گفته می‌شود که در آن کلیه‌ی اطلاعات و تعاملات مالی در شبکه‌ی بانکی موردنظر، در یک واحد اطلاعات مرکزی (Core) نگهداری و ثبت می‌شود. این سیستم براساس رویکردهای استراتژیک بانکی و به‌منظور بهبود عملیات، کاهش هزینه‌ها و ایجاد آمادگی برای رشد بانک مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

عدم به کارگیری سازوکارهای تشخیص و جلوگیری از تقلب باید شاهد افزایش آمار تقلب‌ها در فضای بانکداری الکترونیک باشیم. بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری با آشنایی هرچه بیشتر با انواع تقلب می‌توانند با دانش بهتری نسبت به پیشگیری از آن‌ها و حذف فرایندهای حامی این گونه اعمال بپردازند. با توجه به تجربه کشورهای توسعه یافته در این خصوص، سرمایه‌گذاری در این بخش و الزام بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری توسط بانک مرکزی به عنوان سیاست‌گذار اصلی در زمینه‌ی پولی در سطح کشور بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- بابائی، حسن. خطرات پولشویی کارت‌های بانکی. ماهنامه بانکداری الکترونیک، ص ۲۸، ۱۳۹۰.
- بکائی‌زاد، بهزاد و امیری بهنام. انواع تقلب‌های بانکی و روش‌های هوشمند کشف تقلب در سیستم‌های بانکی. سومین کنفرانس جهانی بانکداری الکترونیک، ۱۳۸۸.
- ترنر، کترین. مدیریت ریسک تقلب؛ راهنمای عملی. ترجمه ابراهیم عباسی و علی شهاب صفا. انتشارات سازمان بازرسی. ۱۳۹۳.
- تصرفی منش، حسین. انواع تقلب‌های بانکی. سمینار کارشناسی ارشد در رشته مهندسی فناوری اطلاعات گرایش تجارت الکترونیک. ۱۳۹۱.
- حسین‌زاده، فریده تکان تپه. نقش سیستم کنترل‌های داخلی در پیشگیری و وقوع تقلبات و اشتباهات در شعب بانک ملی، پایان‌نامه کارشناسی، ۱۳۸۵.
- کمالی، عبدالنبی. شناسایی چالش‌های امنیتی کارت‌های اعتباری: رویکردی به سوی چالش نوین خدمات نوین الکترونیک. دومین همایش بانکداری الکترونیک و نظام‌های پرداخت. تهران، ۱۳۹۱.
- گلدمن، پیتر، تقلب در بانک‌ها و مؤسسات مالی، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، ترجمه ناصر مکارم، ۱۳۹۲.
- معین‌زاده، حسین. بانکداری الکترونیک و کشف تخلفات. خبرنامه بانک ملی ایران. شماره ۱۸۲، ۱۳۹۰.
- وکیلی فرد، حمیدرضا ۱۳۹۲. بررسی ویژگی‌های تقلب در صورت‌های مالی. مجله حسابداری مدیریت. شماره ۲۵، ۱۳۹۴.
- ویژگی‌های نظام کنترل بانک ملت، ۱۳۹۳.

1-Albrecht, W.S. Albrecht, C.C. & Albrecht, G.O. (2008). Current Trends in Fraud and Its Detection. Information Security Journal, 17.

2-Burge, P and et al. (1999). Fraud Detection and Management in Mobile Telecommunications Networks London: Royal Holloway University

3-Chittur, A. (2001). Model Generation for an Intrusion Detection System Using Genetic Algorithms. Ossining High school Honors Thesis

4-Clifton Phua and et al. (2005). A Comprehensive Survey of Data Mining –based Fraud Detection Research, from <http://www.arxiv.org/pdf/1009.6119>.